

به چالش کشیده شدن «داعش خراسان» در افغانستان و پاکستان رقابت‌ها و بیعت‌های پراکنده

مرکز مبارزه با تروریسم وست پوینت

ترجمه موسسه مطالعات آسیای مرکزی و افغانستان (ایران شرقی)

چکیده: آغاز فعالیت «داعش خراسان» در منطقه افغانستان - پاکستان در سال ۲۰۱۵ - ۲۰۱۴، باعث جذب شماری از شبه‌نظامیان محلی فرصت‌طلب و ناراضی به این گروه شد. با این حال، ورود یک تازه وارد به یک عرصه مملو از گروه‌های شبه‌نظامی، قدرت و منابع منطقه‌ای گروه‌های موجود را با تهدید مواجه کرد و منجر به بروز رقابت‌های مختلف شد؛ مسئله‌ای که بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷، به وضوح در اظهارات مخالفت‌آمیز و هشداردهنده رهبران این گروه‌ها در قبال «داعش خراسان» مشهود است. با نگاه دقیق‌تر به ناسازگاری موجود بین «داعش خراسان» و رقبای آن می‌توان متوجه مقاومت و مخالفت مستمر گروه‌هایی شد که ارتباط‌ها و منابع آنها مستقیماً به واسطه برنامه خلافت جهانی «داعش خراسان» به خطر افتاده است.

ورود گروه‌های تروریستی فرا ملی به صحنه‌های عملیاتی جدید، می‌تواند یک اقدام مهم و در عین حال، پر خطر باشد. حضور معنادار یک گروه تازه وارد در یک منطقه جدید غالباً منوط به توانایی آن گروه در تشکیل اتحاد با دیگر گروه‌ها است، به خصوص در مناطق اشباع شده از شبه‌نظامیان، چون افغانستان و پاکستان. اما حرکت این گروه‌ها در این مسیر ممکن است رقابت‌های زیادی نیز به وجود آورد. ورود «داعش خراسان» به منطقه افغانستان - پاکستان در سال ۲۰۱۵ - ۲۰۱۴، موجب شد شماری زیادی از نیروها و سازمان‌های شبه‌نظامی منطقه‌ای که مشتاق بهره‌برداری از برند «داعش خراسان» بودند به این گروه ملحق شوند. به دنبال این ماجرا، افراد و گروه‌های زیادی با داعش بیعت کردند، از جمله ۶ رهبر «تحریک طالبان پاکستان» که اکتبر ۲۰۱۴ علناً به «ابوبکر البغدادی» اعلام وفاداری کردند. دیگر گروه‌ها نیز واکنش‌های متفاوتی نشان دادند: از بیعت گرفته تا اعلام حمایت کلی و یا بی‌طرف ماندن.

اما تلاش «داعش خراسان» برای استقرار یافتن در منطقه افغانستان - پاکستان، از طریق جذب شبه‌نظامیان ناراضی و برقراری رابطه با رهبران فرصت‌طلب گروه‌های محلی، مخالفت‌هایی نیز در پی داشت؛ مخالفت‌هایی که غالباً منجر به وقوع درگیری‌های خونین شد. از همه مهم‌تر اینکه، شبه‌نظامیان «داعش خراسان» درگیری مستمری با جنگجویان طالبان در افغانستان و در مناطق قبایلی پاکستان (فاتا) داشته‌اند. در سال ۲۰۱۵، بروز یک چرخه خشونت بین این گروه‌ها منجر به این شد که شبه‌نظامیان «داعش خراسان» ۱۰ تن از اعضای طالبان را در ولایت «ننگرهار» سر ببرند. متعاقب آن جنگجویان طالبان، حامیان داعش را در منطقه «مهمند ایجنسی» هدف یک حمله غافلگیرانه قرار دادند. یک هفته بعد، جنگجویان «داعش



خراسان» با کشتار وحشیانه چند تن از رهبران طالبان و انتشار آنلاین صحنه‌های آن، این اقدام طالبان را تلافی کردند. درگیری‌های مستمر بین این دو گروه، خرابی‌های زیادی به بار آورده و باعث آواره شدن عده زیادی از ساکنین محلی شده است.

این درگیری‌ها در سال ۲۰۱۸ نیز ادامه یافت: زمانی که طالبان تلاش کرد مناطق تصرف شده ولایت «جوزجان» را که توسط «قاری حکمت‌الله» کنترل می‌شد، آزاد نماید؛ «قاری حکمت‌الله» از فرماندهان سابق طالبان بود که به داعش پیوسته بود و به تازگی در حمله هوایی آمریکا کشته شد.

ارتباط «داعش خراسان» با گروه‌های جهادی جنگ آزموده‌ی محلی که از فوت و فن‌های بومی منطقه آگاهی دارند می‌تواند تعیین کننده میزان قدرت و دوام این گروه در منطقه باشد. اما افزایش رقابت بین «داعش خراسان» و گروه‌های رقیب ممکن است بر خط سیر و ماهیت کلی تروریسم در منطقه اثرگذار باشد. رقابت بین این گروه‌ها بیش از آنکه صرفاً باعث نابودی خود آنها شود می‌تواند منجر به افزایش انشعاب‌ها و درگیری‌ها شده و زمینه روی کار آمدن رهبران شبه‌نظامی به شدت افراطی را فراهم نماید. برای درک بهتر چشم‌انداز رقابت‌ها، در این مقاله به بررسی همه جانبه دشمنی‌های موجود بین «داعش خراسان» و گروه‌های اصلی منطقه‌ای که آشکارا اظهارات خصمانه و هشدار دهنده‌ای خطاب به داعش خراسان بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ داشته‌اند، خواهیم پرداخت. همچنین در این مقاله، با تحلیل میزان تفاوت موجود بین اهداف این گروه‌ها، سعی می‌کنیم اختلاف‌های موجود بین «داعش خراسان» و رقبای آن را تبیین کنیم. البته این مقاله لزوماً یک ارزیابی جامع و کامل از همه گروه‌های فعال در افغانستان و پاکستان که ممکن است ملاحظاتی درباره اهداف، استراتژی‌ها و تاکتیک‌های «داعش خراسان» داشته باشند نیست؛ بلکه هدف آن، تبیین اختلاف‌های موجود بین «داعش خراسان» و گروه‌های مهم منطقه‌ای است که آشکارا «داعش خراسان» را مورد انتقاد قرار داده‌اند.

یک پیام خصمانه و ناسازگار

پیام اصلی «داعش خراسان»، که از طریق رسانه‌های مختلف منتشر شد، انجام یک جهاد بین‌المللی در «ولایت خراسان» بود که شامل منطقه افغانستان و پاکستان می‌شد. طبق این پیام، خلافت اسلامی داعش، رهبر مشروع امت فراملیتی اسلامی محسوب می‌شد و همه پیروان آن با «ابوبکر البغدادی» به عنوان خلیفه بیعت می‌کردند.

هدف اصلی خلافت داعش، به دست گرفتن کنترل فیزیکی اراضی خراسان است و این منطقه را «میدان نبرد مبارک» خود قرار داده است. تبلیغات شاخه خراسان داعش همسو با پیام تکفیری دولت اسلامی شام و عراق است و نه تنها در آن بر حمله به فرق دیگر، مثل شیعیان و صوفی‌ها، تأکید شده است بلکه حمله به دیگر فرق سنی که انطباق کامل با ایدئولوژی داعش ندارند را نیز در دستور کار خود قرار داده است.



همچنین حرکت‌های ملی‌گرایانه، نوعی اقدام ضد خلافت محسوب می‌شوند؛ از نظر آنها، طالبان یک عده «ملی‌گرای کثیف» هستند و گروه‌های شبه‌نظامی کشمیری هم صرفاً «عمال پاکستان» اند. در بسیاری از پیام‌های تبلیغاتی «داعش خراسان»، اظهارات خصمانه‌ای در قبال دولت مرتد پاکستان بیان شده و از پیروان این گروه خواسته شده است تا ارتش پاکستان را هدف قرار دهند. این ویژگی‌ها که هسته اصلی برند «داعش خراسان» را تشکیل می‌دهند، این گروه را در تضاد ذاتی با بنیان‌های فکری بازیگران اصلی منطقه‌ای نیز قرار داده است. البته پذیرش برند «داعش خراسان» یک گزینه جذاب برای گروه‌هایی است که به دنبال افزایش شهرت خود هستند و قصد دارند به یک جنبش بزرگ‌تر متصل شوند. اما پیام «داعش خراسان»، گروه‌های خودمختار با اهداف محدود، مثل «طالبان افغان» و «لشکر طیبه» را که بازیگران مهمی در حوزه تحت نفوذ خود هستند و از حمایت فعالانه یا منفعلانه پاکستان برخوردارند، نامشروع جلوه داده و آنها را تهدید می‌کند. رهبران «طالبان افغان» و «لشکر طیبه» تمایل چندانی به تشکیل یک خلافت جهانی و یا مخالفت با دولت پاکستان ندارند. سایر گروه‌های فعال در فضای افغانستان - پاکستان نیز نتوانستند به راحتی موضع مشخصی در قبال «داعش خراسان» اتخاذ کنند؛ «جنبش اسلامی ازبکستان» و «تحریک طالبان پاکستان» با ورود «داعش خراسان» دچار آشفتگی‌های درون سازمانی و شکاف بین رهبران خود شده‌اند.

نویسندگان این مقاله با بررسی منابع و گزارشات موجود، شش «گروه رقیب» را برای «داعش خراسان» شناسایی کردند (یعنی گروه‌هایی که اظهارات خصمانه‌ای در قبال داعش خراسان ابراز کرده‌اند). این گروه‌ها عبارتند از: «لشکر طیبه»، «جماعت الدعوه»، «طالبان افغان»، «شبکه حقانی»، «جنبش اسلامی ازبکستان» و «تحریک طالبان پاکستان».

ما در این مقاله با بررسی گزارش روزنامه‌ها، مقالات دانشگاهی و گزارش‌های سیاسی (که بین ژانویه ۲۰۱۴ تا دسامبر ۲۰۱۷ منتشر شد)، لیستی از گروه‌های شبه‌نظامی حاضر در منطقه افغانستان - پاکستان که به نحوی با «داعش خراسان» ارتباط داشتند تهیه کردیم. سپس تمرکز خود را متوجه گروه‌هایی نمودیم که رهبران آنها آشکارا اظهارنظر شفاهی یا کتبی بر ضد «داعش خراسان» داشتند. این اظهارات عبارت بودند از: هشدارهای مستقیم به «داعش خراسان»، تأکید بر بیعت‌هایی که از قبل وجود داشته است و انتقاد از تاکتیک‌های وحشیانه «داعش خراسان» (که در بخش‌های بعد بیشتر به آنها خواهیم پرداخت).

نویسندگان، با مبنا قرار دادن این اظهارات، موارد گزینش شده را مورد تحلیل عمیق‌تر قرار دادند تا عوامل اختلافی بین هر یک از این گروه‌ها و «داعش خراسان» را مشخص کنند. تصویر (۱)، نشان می‌دهد که آیا یک گروه رقیب بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ انتقاد آشکاری از «داعش خراسان» داشته است یا خیر. تصویر (۲) نیز نشان می‌دهد که آیا بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷، گزارشی دال بر جدا شدن برخی اعضای یک گروه رقیب و پیوستن آنها به «داعش خراسان» وجود داشته است یا خیر.



تصویر (۱): گروه‌های رقیب: سال‌هایی که در آن رهبران انتقاد آشکار بر ضد «داعش خراسان» داشتند

		2014	2015	2016	2017
گروه‌هایی که رهبران آنها با «داعش خراسان» مخالفت کردند	لشکر طیبه		✓		✓
	جماعت الدعوه			✓	
	شبکه حقانی				
	طالبان افغان		✓		
گروه‌هایی که بیعت‌های پراکنده داشتند	جنبش اسلامی ازبکستان			✓	
	تحریک طالبان پاکستان		✓		

تصویر (۲): گروه‌های رقیب: سال‌هایی که در آن گزارشاتی دال بر پیوستن اعضای این گروه‌ها به «داعش خراسان» مخابره شد

		2014	2015	2016	2017
گروه‌هایی که رهبران آنها با «داعش خراسان» مخالفت کردند	لشکر طیبه			✓	
	جماعت الدعوه		✓	✓	
	شبکه حقانی			✓	
	طالبان افغان		✓	✓	✓
گروه‌هایی که بیعت‌های پراکنده داشتند	جنبش اسلامی ازبکستان		✓		
	تحریک طالبان پاکستان	✓	✓		



رقابت‌ها و بیعت‌های پراکنده

بررسی دقیق‌تر رقابتی «داعش خراسان» نشان می‌دهد که گروه‌های غیر همسو با «داعش خراسان» به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

- (۱) گروه‌هایی که رهبری مرکزی آنها متفقا نمی‌خواهند «داعش خراسان» زیر گوش آنها باشد.
- (۲) گروه‌هایی که رهبران آنها بیعت‌های پراکنده‌ای با «داعش خراسان» داشتند.

در مجموع، تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که رقابت‌های خشونت‌بار بین گروه‌ها غالبا به واسطه کشمکش‌های داخلی، قاچاق مواد مخدر، حمایت دولت‌ها و انگیزه‌های قومی به وجود می‌آید. در واقع، این عوامل تعیین کننده فضای جهاد در منطقه افغانستان - پاکستان هستند. با ارزیابی دقیق رقابتی «داعش خراسان»، به پنج عامل اصلی می‌رسیم که نشان می‌دهند چرا «داعش خراسان» یک عنصر نامطلوب برای برخی گروه‌ها محسوب می‌شود:

- هدف‌گذاری‌های ارضی «داعش خراسان»، به حوزه‌های نفوذ فعلی گروه‌های مهم دست‌اندازی می‌کند؛
- استراتژی «داعش خراسان» برای شکار شبه نظامیان دیگر گروه‌ها، مستقیما منابع گروه‌های هدف را به مخاطره می‌اندازد؛
- تمایل «داعش خراسان» برای تحریک خشونت‌های فرقه‌ای به منظور ایجاد یک خلافت فراملیتی، مختل کننده برنامه‌های ملی‌گرایانه محدودتر گروه‌های موجود است که لزوما هم ماهیت تکفیری ندارند؛
- پیام «داعش خراسان» باعث بر هم خوردن اتحادها یا بیعت‌های سنتی از پیش موجود در منطقه می‌شود؛
- انتقادهای تند «داعش خراسان» از دولت پاکستان تهدیدی برای حمایت‌های فعال یا منفعلی است که برخی از این گروه‌های رقیب از عناصر دولت پاکستان دریافت می‌کنند.

زیر گوش من نباش: «طالبان افغان» و «شبکه حقانی»

«طالبان افغان» از زمانی که به واسطه حمله آمریکا در سال ۲۰۰۱ از مسند قدرت به زیر کشیده شد، تا کنون همچنان برترین گروه شورشی در افغانستان باقی مانده است و همچنان تهدیدی برای دولت افغانستان و نیروهای غربی حاضر در این کشور به شمار می‌رود. «شورای کویته» اصلی‌ترین ساختار فرماندهی «طالبان افغان» است که از سال ۲۰۰۱ بدین سو در شهر «کویته» پاکستان مستقر می‌باشد؛ گفته می‌شود که سرویس اطلاعاتی پاکستان نیز حتی پس از سال ۲۰۰۱ همچنان روابط خود را با این شورا حفظ کرده است. گزارش‌های اخیر نشان می‌دهند که جنگجویان طالبان کنترل کامل ۱۴ فرمانداری افغانستان را در دست دارند و در ۲۶۳ فرمانداری دیگر نیز آشکارا فعالیت می‌کنند؛ این مسئله بدان معنا است که آنها در منطقه‌ای



با جمعیت ۱۵ میلیون نفری فعالیت عملیاتی دارند. هدف اصلی طالبان، در وهله اول، نجات دادن افغانستان از چنگال نیروهای آمریکایی و ناتو و ایجاد یک دولت تحت کنترل طالبان و اجرای قانون شریعت است. به علاوه، این گروه رابطه دیرینه‌ای با «القاعده» دارد؛ در سال ۲۰۱۵، طالبان علنا درخواست حمایت «الظواهری» را پذیرفت. گرچه «طالبان افغان» به خاطر انسجام داخلی‌اش شهرت دارد اما با این حال، این گروه نیز نتوانسته از اختلاف‌های داخلی مصون بماند. به خصوص اینکه، اعلام خبر مرگ «ملا محمد عمر» رهبر طالبان در جولای سال ۲۰۱۵، باعث تقسیم شدن این گروه به دو بلوک جداگانه شد.

در سال ۲۰۱۴، «داعش خراسان» یک برنامه عضوگیری فعال را در ۲۵ ولایت از ۳۴ ولایت افغانستان آغاز کرد و نیروهای امنیت ملی افغانستان روز بروز درگیری‌های بیشتری با جنگجویان وابسته به داعش پیدا کردند. در سال ۲۰۱۵، با ملحق شدن شماری از نیروهای طالبان به «البغدادی»، روند عضوگیری داعش در افغانستان شتاب بیشتری پیدا کرد. یکی از فرماندهان سابق طالبان به نام «ملا عبدالرئوف خادم» که به عنوان معاون «داعش خراسان» منصوب شده بود، گروه خود را در ولایات «هلمند» و «فراه» تشکیل داد و پیشنهادهای مالی و سوسه‌انگیزی به نیروهای جدا شده طالبان داد. «شبکه حقانی» هم که ارتباط نزدیکی با «طالبان افغان» داشت، در ابتدا تصمیم گرفت تا زمانی که «داعش خراسان» خارج از قلمرو آنها در «لویه پکتیا» (پکتیای بزرگ شامل پکتیا، پکتیکا، خوست) باقی بماند، موضوع بی‌طرفی در قبال «داعش خراسان» داشته باشد. گرچه «شبکه حقانی» یک گروه نیمه خودمختار است اما بخش مهمی از شورش افغان محسوب می‌شود و رابطه دیرینه‌ای با دیگر گروه‌ها از جمله «لشکر طیبه»، «القاعده» و «تحریک طالبان پاکستان» دارد. «سراج‌الدین حقانی» که رهبری «شبکه حقانی» را در دست دارد، مرد شماره دو جنبش طالبان افغان به شمار می‌رود. در سال ۲۰۱۶ گزارش‌هایی دال بر جدا شدن شماری از اعضای «شبکه حقانی» شنیده شد؛ در آن زمان گفته شد که برخی فرماندهان ارشد حقانی به حمایت از «داعش خراسان» و همچنین حمایت از گروه جدا شده از طالبان به رهبری «ملا رسول» پرداخته‌اند.

گرچه «شبکه حقانی» بیانیه مستقلی بر ضد «داعش خراسان» صادر نکرده اما طالبان مخالفت خود را در این زمینه اعلام کرده است. پس از شکست مذاکرات طالبان و «داعش خراسان» برای حل تنش‌ها و درگیری‌های خشونت‌بار در سال ۲۰۱۵ که از طریق کانال‌های خصوصی صورت گرفت، «ملا اختر منصور» رهبر طالبان بیانیه آشکاری بر ضد داعش صادر کرد. وی در این بیانیه به رهبران داعش هشدار داد که هر نوع اقدام آنها برای ایجاد شکاف در جنبش طالبان و شکار اعضای آن، با واکنش طالبان مواجه خواهد شد. این بیانیه در وب سایت رسمی طالبان موسوم به «صدای جهاد» منتشر شد. «ابو محمد العدنانی» سخنگوی وقت داعش نیز در پاسخ به این بیانیه، طالبان را متهم به همدستی با دولت پاکستان کرد و هشدار داد که طالبان یا باید از موضع خود عقب نشینی کند و یا هدف دولت اسلامی قرار گیرد. «ملا رسول» رهبر شاخه انشعابی طالبان (که با نام «شورای عالی امارت اسلامی افغانستان نیز شناخته می‌شود) نیز در سال ۲۰۱۵ نشان داد که گرچه با فعالیت داعش در دیگر کشورها مخالف نیست اما از این گروه در افغانستان استقبال نمی‌کند.



چرا این گروه‌ها سازش نمی‌کنند؟

چند عامل، علت اصلی خصومت شدید «طالبان افغان» و متحد نزدیک آن «شبکه حقانی» با «داعش خراسان» است. ادعای «داعش خراسان» درباره منطقه افغانستان - پاکستان به عنوان بخش اصلی خلافت فراملیتی آن، ماهیت وجودی و هدف طالبان (که تمرکز اولیه آن، آزاد کردن افغانستان از «اشغال» غربی‌ها است) را نامشروع می‌کند. طالبان اهداف ملی‌گرایانه محدودی دارد و معمولاً، سایر فرق را هدف حملات خود قرار نمی‌دهد. به علاوه، گفته می‌شود که طالبان و «شبکه حقانی» متحدان دولت پاکستان هستند و یک ابزار کارآمد در سیاست خارجی پاکستان محسوب می‌شوند بنابراین همسو شدن آنها با «داعش خراسان»، این رابطه را به مخاطره می‌اندازد. عضوگیری‌های آشکار داعش نیز در نهایت منجر به درگیری با طالبان و به تبع آن، هشدارهای علنی طالبان به رهبران داعشی شد. طبق گزارش‌ها، رهبری «شبکه حقانی» نقش مهمی در کمک به طالبان برای هدف گرفتن نیروهای وابسته به داعش ایفا کرده است. بدین ترتیب، طالبان و «داعش خراسان» دشمنی سخت و عمیقی با هم پیدا کردند؛ یک داعش قدرتمند نه تنها حوزه نفوذ و منابع طالبان را به خطر می‌اندازد بلکه برنامه‌های فرقه‌گرایانه و ضد ملی‌گرایانه آنها در تضاد آشکار با اهداف منطقه‌ای طالبان است.

علاوه بر این، رابطه بین طالبان و «القاعده» به رغم سال‌ها جنگ و درگیری، همچنان ادامه‌دار شده است که همین مسئله موجب افزایش رقابت بین «طالبان افغان» و «داعش خراسان» می‌شود.

زیر گوش من نباش: «لشکر طیبه» و «جماعت الدعوه»

«لشکر طیبه» در سال ۱۹۹۰ تأسیس شد و «جماعت الدعوه»، شاخه سیاسی آن، ۱۲ سال بعد شکل گرفت. سال‌های مدیدی است که «جماعت الدعوه» جبهه سیاسی و مالی «لشکر طیبه»، یا صرفاً نام مستعاری برای «لشکر طیبه»، محسوب می‌شود. اما «جماعت الدعوه» این مسئله را نپذیرفته است که جبهه‌ای برای «لشکر طیبه» است. در شرایطی که منطقه عملیاتی «لشکر طیبه» یک ناحیه نسبتاً وسیع در آسیای جنوبی است و حوزه عملیاتی «جماعت الدعوه» نیز مناطق شمال غرب پاکستان می‌باشد اما تمرکز عملیاتی هر دو گروه، منطقه «جامو و کشمیر» است. هدف اصلی «لشکر طیبه» همچنان آزاد کردن کشمیر تحت سلطه هند و ملحق کردن آن به پاکستان است.

در ابتدا، «محمود شاه» سخنگوی «لشکر طیبه» با انتشار بیانیه‌ای در سال ۲۰۱۵ هرگونه ارتباط این گروه با «داعش خراسان» را رد و با تأکید بر هدف «لشکر طیبه» برای آزادسازی کشمیر، مدعی شد که ارتباط بین «لشکر طیبه» و «داعش خراسان» یک اقدام تبلیغاتی است که توسط ارتش هند و با هدف نامشروع کردن جهاد کشمیر صورت گرفته است. اواسط سال ۲۰۱۷، ظهور پرچم‌های داعش در دره کشمیر، بار دیگر «محمود شاه» را بر آن داشت تا با انتشار یک بیانیه عمومی در یک خبرگزاری محلی تصریح کند که «داعش» یک سازمان تروریستی ضد اسلامی است. «حافظ سعید» رهبر «لشکر طیبه»، آشکارا گروه‌هایی چون



«القاعده» و داعش را گروه‌های تروریستی خواند و تلاش کرد «لشکر طیبه» را از جنبش‌های جهادی فراملیتی جدا کند.

«جماعت الدعوه» نیز سعی کرد خود را از داعش جدا کند. اوایل سال ۲۰۱۶، «جماعت الدعوه» نامه سرگشاده‌ای را از طریق شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد و در آن، منکر هر نوع رابطه با داعش شد. در این نامه آمده بود که داعش به نهضت اسلامی آسیب رسانده و جماعت الدعوه را دشمن می‌داند. به نظر می‌رسد که این نامه به طور خاص در واکنش به شایعات موجود درباره جدا شدن اعضای «جماعت الدعوه» از این گروه و پیوستن آنها به «داعش خراسان» منتشر شد. اواسط سال ۲۰۱۶، «عتیق الرحمن کوهان» سخنگوی «جماعت الدعوه» گفت شماری از اعضای این گروه در مسجدی در «پیشاور» هدف حمله قرار گرفته‌اند که علت اصلی آن نیز اعلام حمایت «جماعت الدعوه» از ارتش پاکستان و انتقاد از داعش در جریان یک تظاهرات علنی در «مالاکند» بوده است.

چرا این گروه‌ها سازش نمی‌کنند؟

چند عامل مادی و معنوی در ناسازگاری «لشکر طیبه» با «داعش خراسان» دخیل است. اعلام رسمی تشکیل شاخه داعش در منطقه «جامو و کشمیر» که فوریه سال ۲۰۱۶ رخ داد، مستقیماً حوزه نفوذ «لشکر طیبه» را هدف گرفت و این در حالی است که مواضع فرقه‌گرایانه و تبلیغات ضد پاکستانی آن نیز موقعیت «لشکر طیبه» را به مخاطره انداخت. «لشکر طیبه» که یک سازمان تروریستی مهم در کشمیر و آسیای جنوبی است، رابطه دیرینه‌ای با دولت پاکستان دارد و از هدف گرفتن دیگر فرق اسلامی اجتناب می‌کند. در واقع، «لشکر طیبه» از رابطه خود با دولت پاکستان دفاع کرده و با نظر گروه‌های «دیوبندی» که حملات خود به غیرنظامیان پاکستانی را توجیه می‌کنند مخالفت می‌کند. بدین ترتیب، هر نوع وابستگی این گروه با «داعش خراسان» می‌تواند آسیب جدی به رابطه دو سر سود این گروه با دولت پاکستان وارد کند. به علاوه، «داعش خراسان» تلاش کرده است تا شبه‌نظامیان «لشکر طیبه» و «جماعت الدعوه» را به سوی خود جذب کند و همچنین انتقادهای مستقیمی را متوجه «لشکر طیبه» کرده است. در سال ۲۰۱۵، «اداره مبارزه با تروریسم پنجاب» یک گروه همسو با داعش را در شهر «سیالکوت» شناسایی کرد که گفته می‌شد از شاخه‌های انشعابی «جماعت الدعوه» است. اخیراً نیز داعش در تبلیغات خود به طور خاص از حامیان خود خواسته است تا از گروه‌های شبه‌نظامی کشمیر که به نمایندگی از دولت پاکستان عمل می‌کنند؛ جدا شوند. از آنجا که «لشکر طیبه» / «جماعت الدعوه» به لحاظ سازمانی ارتباطی با «القاعده» یا «طالبان افغان» در سطح استراتژیک ندارند، لذا دشمنی آنها با «داعش خراسان» در وهله اول ناشی از تهدیدی است که این گروه متوجه برنامه‌های مستقل و حوزه نفوذ آنها در منطقه کرده است. انجام یک عملیات موفقیت‌آمیز از سوی «داعش خراسان» می‌تواند به طور بالقوه باعث از دست رفتن نیروها و منابع «لشکر طیبه» / «جماعت الدعوه» شود و تأثیر بدی بر شهرت و نفوذ آنها در منطقه داشته باشد.



بیعت‌های پراکنده: «جنبش اسلامی ازبکستان»

«جنبش اسلامی ازبکستان» در سال ۱۹۹۸ با هدف برکناری دولت سکولار ازبکستان و جایگزینی آن با حکومت اسلامی در کل منطقه، به وجود آمد. این گروه یکی از بزرگترین و خشن‌ترین سازمان‌های آسیای مرکزی است که با دیگر سازمان‌های تروریستی منطقه، از جمله «شبکه حقانی»، «تحریک طالبان پاکستان» و «القاعده» همکاری دارد. این جنبش پس از مدتی تمرکز خود را از «تاشکند» برداشت و ضمن بیعت با «ملا عمر» رهبر طالبان، توجه خود را معطوف به مناطق اطراف مقر خود در تاجیکستان و افغانستان کرد. در سال ۲۰۱۳، نیروهای ائتلافی و افغان گزارش دادند که همکاری گسترده و عملیات‌های مشترکی بین طالبان و «جنبش اسلامی ازبکستان» در شمال افغانستان در جریان است. مهم‌تر اینکه وجود یک حکومت به شدت سرکوب‌گر باعث گسترش دامنه فعالیت شبه‌نظامی‌گری سلفی در ازبکستان شد و روند گسیل جنگجویان ازبک به افغانستان و سوریه را تشدید کرد.

اولین نشانه‌های اختلاف در درون «جنبش اسلامی ازبکستان» و سرخوردگی از طالبان، در سال ۲۰۱۴ آشکار شد. «عمر قاضی» رهبر جنبش در اظهاراتی که نوامبر ۲۰۱۴ ایراد و برای اولین بار در مارس ۲۰۱۵ منتشر شد، زنده بودن «ملا عمر» را زیر سؤال برد و رسماً «البغدادی» را به عنوان خلیفه پذیرفت. پس از تأیید خبر مرگ «ملا عمر»، «جنبش اسلامی ازبکستان» نارضایتی خود را از همکاری طالبان افغان با سرویس اطلاعاتی پاکستان اعلام کرد. ۶ آگوست ۲۰۱۵، «قاضی» و یک گروه بزرگ از جنگجویان «جنبش اسلامی ازبکستان» در ویدئویی با داعش بیعت کردند. داعش نیز پس از این اعلام بیعت، ویدئویی منتشر کرد که در آن یک جنگ‌جوی ازبک در عراق، این تصمیم جنبش را به آنان تهنیت گفت. در همین زمان، جنگجویان «جنبش اسلامی ازبکستان» که از قبل در سوریه بودند نیز جذب داعش شدند و بسیاری از آنها هم افغانستان را به مقصد سوریه ترک کردند. اما شاخه جدا شده «قاضی» که صدها عضو جنبش را در خود جای داده بود، در نهایت پس از درگیر شدن با طالبان در نوامبر سال ۲۰۱۵، متحمل تلفات قابل توجهی شد. متعاقب این ماجرا نیز، با کشته شدن «قاضی»، بار دیگر جنبش دچار ناآرامی شد و فرماندهانی که دنباله‌رو «قاضی» بودند دوباره زیر پرچم «جنبش اسلامی ازبکستان» گرد آمدند.

ژوئن ۲۰۱۶، شاخه جدیدی از «جنبش اسلامی ازبکستان» مخالفت علنی خود را با «داعش خراسان» اعلام و ضمن انتقاد از این گروه، بر وفاداری خود به «طالبان» و «القاعده» تأکید کرد. این شاخه از «جنبش اسلامی ازبکستان» ضمن تأکید بر ادامه روابط خود با طالبان، «البغدادی» را صرفاً رهبر گروه داعش دانست و نه خلیفه همه مسلمانان. بدین ترتیب، بیعت «قاضی» با «داعش خراسان» منجر به ظهور یک شاخه جدید در جنبش اسلامی شد که وفادار به طالبان بود. گفته می‌شود که تا اواسط سال ۲۰۱۶، اکثر جنگجویان آسیای مرکزی در سوریه غالباً در کنار «القاعده» قرار گرفتند.

این اختلاف‌ها و تردیدها در داخل «جنبش اسلامی ازبکستان» هنوز هم پایان نیافته است. به نظر می‌رسد در حال حاضر نیز اختلاف نظرهایی بین اعضای جنبش درباره پیوستن این گروه به «داعش خراسان» و یا



وفادار ماندن به «القاعده» وجود دارد. اوایل سال ۲۰۱۷، گزارش‌هایی منتشر شد دال بر اینکه یک شاخه از «جنبش اسلامی ازبکستان» در افغانستان تحت فرماندهی «عبدالحق سمرقندی» در حال همکاری نزدیک با «ابو دیر البرمی» (Abu Dher al-Barmi) یکی از رهبران دینی جنبش است که همکاری‌هایی با داعش سوریه داشته است. همچنین برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که «القاعده» به شکل فعالی در تلاش برای گسترش شاخه «جنبش اسلامی ازبکستان» وفادار به خود، در مقابل شاخه متمایل به داعش، است.

چرا بیعت‌های پراکنده؟

شاید مهم‌ترین جذابیت «داعش خراسان» برای جهادی‌های جدا شده از «جنبش اسلامی ازبکستان»، این بود که مطمئن نبودند اگر به جای بیعت با «داعش خراسان» در کنار طالبان بمانند چه آینده‌ای در انتظارشان خواهد بود. طالبان اهداف ملی‌گرایانه دارند، سیاست کلی آنها مبتنی بر عدم مداخله در کشورهای همسایه است و ممکن است با دولت افغانستان به یک توافق سیاسی برسند. این در حالی است که هدف «داعش خراسان»، گسترش به داخل آسیای مرکزی است. با توجه به وضعیت مهاجران «جنبش اسلامی ازبکستان» در منطقه افغانستان - پاکستان، منطقی است که ایده یک جهاد بدون مرز جذابیت بیشتری برای آنها داشته باشد. داعش از طریق اجرای برنامه‌های عضوگیری در داخل ازبکستان در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷، جای پای خود را در این کشور باز کرده است که این می‌تواند برای فرماندهان «جنبش اسلامی ازبکستان» جذاب باشد. بنابراین، اگر پیوستن به «داعش خراسان» به معنای احیای دوباره حضور جنبش اسلامی در ازبکستان باشد (برای مثال از طریق انتقال جنگجویان جنبش از سوریه به این کشور)، اعضای جنبش احتمالاً تمایل بیشتری به همسویی با داعش دارند. اما با توجه به شکست‌های داعش در صحنه خاورمیانه و لطمه خوردن اعتبار آن، اغلب این جنگجویان که بدون در نظر گرفتن وابستگی‌های اولیه خود، به افغانستان بازگشته‌اند ممکن است تمایل داشته باشند که به جای همراهی با «داعش خراسان»، در کنار «طالبان افغان» باشند. نکته آخر اینکه، چون «جنبش اسلامی ازبکستان» هدف عملیات‌های نظامی ارتش پاکستان قرار گرفته است لذا دشمنی «داعش خراسان» در قبال دولت پاکستان نمی‌تواند منافع دولتی «جنبش اسلامی ازبکستان» را به خطر اندازد. در عوض، این گروه می‌تواند روند عملیات‌های خشونت‌بار «جنبش اسلامی ازبکستان» بر ضد نیروهای امنیتی پاکستان را تسهیل کند. مجموع عوامل ذکر شده در بالا نشان می‌دهد که اختلاف نظر بین اعضای «جنبش اسلامی ازبکستان» برای همراهی با «داعش خراسان» احتمالاً به صورت کوتاه مدت و میان مدت ادامه داشته و فرماندهان و جنگجویان این گروه به ارزیابی مزایا و معایب این اقدام خواهند پرداخت. با این حال، ادامه این اختلاف نظرها بین اعضای «جنبش اسلامی ازبکستان» ممکن است این گروه را به چندین شاخه رقیب تقسیم کند.

در مجموع می‌توان گفت که هدف «داعش خراسان» برای تشکیل یک خلافت جهانی و همچنین تاکتیک‌های فرقه‌ای آن، مغایرت چندانی با اهداف «جنبش اسلامی ازبکستان» - در مقایسه با «لشکر طیب»



و «طالبان افغان»- ندارد. حضور فیزیکی «داعش خراسان» نیز تهدیدی برای قلمرو ارضی جنبش محسوب نمی‌شود. چون عمدتاً در افغانستان فعالیت دارد. در عوض، همسویی با «داعش خراسان» نوظهور، نه تنها می‌تواند به طور بالقوه باعث احیای جنبش اسلامی شود بلکه می‌تواند زمینه فعالیت سیاسی پایدار این جنبش (که فراتر از اهداف ملی‌گرایانه طالبان است) را فراهم کند. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که مقاومت «جنبش اسلامی ازبکستان» برای پیوستن به «داعش خراسان»، بیشتر ریشه در بیعت‌های قبلی آن با «طالبان افغان» و «القاعده» داشته باشد.

بیعت‌های پراکنده: «تحریک طالبان پاکستان»

«تحریک طالبان پاکستان» مجموعه‌ای ناپایدار متشکل از چندین گروه شبه‌نظامی مختلف است که برای اولین بار در سال ۲۰۰۷ در قالب یک جبهه متحد بر ضد ارتش پاکستان وارد صحنه شد. اهداف اصلی این گروه عبارتند از: سرنگونی دولت، برقراری قانون شریعت در پاکستان و مبارزه با نیروهای ائتلافی در افغانستان. این گروه همچنین به شکل فزاینده‌ای، شیعیان و دیگر اقلیت‌ها را در پاکستان هدف قرار داده است. این گروه همچنان یکی از مرگبارترین گروه‌ها در پاکستان است. بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۲ تعداد کل افراد غیرنظامی که به دست عناصر غیر دولتی در پاکستان کشته شدند به بیش از ۲ هزار و ۲۱۲ نفر رسید. از این رقم، حدود ۷۰.۲٪ کشتارها (۱۴۹۰ نفر) مربوط به گروه‌های مختلف «تحریک طالبان پاکستان» بوده است. این گروه که از زمان تأسیس در پاکستان مستقر بود، در سال ۲۰۱۷ مقرهای خود را به افغانستان انتقال داد.

ماهیت «تحریک طالبان پاکستان»، این گروه را به شدت در برابر اختلاف‌ها و شکاف‌های داخلی آسیب‌پذیر کرده است. «تحریک طالبان پاکستان» متفاوت از گروه‌های ذکر شده در بالا است چون این سازمان در مخالفت با دولت پاکستان تشکیل شده است (هر چند که هر از گاهی مذاکرات صلحی نیز انجام شده) و همچنان در انجام اقدامات تروریستی بر ضد نهادهای مدنی و امنیتی پاکستان بسیار فعال عمل می‌کند. از سال ۲۰۰۹ بدین سو، «تحریک طالبان پاکستان» هدف حملات مستمر ارتش پاکستان قرار داشته است. در سال ۲۰۱۴، «تحریک طالبان پاکستان» یک برنامه تبلیغی و عضوگیری برای «داعش خراسان» به راه انداخت. اما اختلاف‌های داخلی فراوان و عملیات‌های نظامی ارتش پاکستان باعث شد تا شماری از اعضای گروه «تحریک طالبان پاکستان» به رهبری «ملا فضل‌الله»، از جمله رهبران تحریک طالبان در مناطق «اورکزی»، «کرم» و «خیبر»، به «داعش خراسان» ملحق شوند. وجود اختلاف‌های داخلی به همراه مواضع ضد پاکستانی داعش باعث شد تا برخی رهبران طالبان پاکستان انگیزه لازم برای بیعت با «داعش خراسان» را به دست آورند. اما به رغم بیعت شش فرمانده «تحریک طالبان پاکستان» (از جمله «شاهدالله شاهد» سخنگوی طالبان پاکستان که بلافاصله پس از بیعت از مقام خود کنار گذاشته شد)، «عمر خراسانی» از پیوستن به «داعش خراسان» امتناع و بار دیگر بر بیعت «تحریک طالبان پاکستان» با «ملا عمر» تأکید کرد.



همچنین، می ۲۰۱۵، «تحریک طالبان پاکستان» با انتشار یک بیانیه ۶۰ صفحه‌ای، ادعای «البغدادی» درباره رهبری خلافت را رد و تلاش کرد تا مواضع نادرست وی را تبیین کند. این بیانیه، با اشاره به اینکه دولت اسلامی پا را از حد خود فراتر گذاشته است، از استراتژی این گروه برای نبرد هم‌زمان با چندین دشمن مختلف و نیز تخریب حرم‌ها انتقاد کرد؛ و در عوض، رهبری «القاعده» را ستود.

چرا بیعت‌های پراکنده؟

«تحریک طالبان پاکستان» با توجه به اینکه مرگبارترین گروه در داخل پاکستان است می‌تواند یک متحد بسیار جذاب برای «داعش خراسان» باشد. همچنین شماری از گروه‌های تحریک طالبان (علاوه بر عدم توافق با طالبان افغان) حوزه‌های عملیاتی مشترکی نیز با «داعش خراسان» دارند: دولت پاکستان و اقلیت‌ها. عملیات‌های آتش پاکستان که بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ در مناطق قبایلی صورت گرفت منجر به ایجاد اختلافات داخلی در درون گروه شد و این در حالی بود که ارتش به‌طور هم‌زمان با رهبرانی که از گروه اصلی جدا شده بودند وارد مذاکره شد. «تحریک طالبان پاکستان» در زمان رهبری «حکیم‌الله محسود»، حملات خود را به نهادها و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی و همچنین جامعه شیعه و احمدیه افزایش داد. تعریف این عنصر رادیکال تحریک طالبان از دولت پاکستان، یادآور تعبیر «داعش خراسان» بود. در سال ۲۰۱۲، «حکیم‌الله محسود» پاکستان را «برده آمریکا» دانست که نمی‌تواند به‌طور مستقل وارد مصالحه شود. بنابراین آن دسته از اعضای تحریک طالبان که موافق این موضع‌گیری‌های تندروانه بر ضد دولت پاکستان بوده و هدف گرفتن اقلیت‌ها را کار درستی می‌دانند، احتمالاً بر این باورند که جانبداری از «داعش خراسان» امتیازات بیشتری نصیب آنها خواهد کرد، تا متحد باقی ماندن با طالبان.

در همین حال، مخالفت برخی گروه‌های تحریک طالبان با «داعش خراسان» احتمالاً ناشی از بیعت‌های قبلی آنها با «طالبان افغان» و «القاعده» و همچنین تمایل آنها برای همکاری با دولت پاکستان است. پاکستان برای مقابله با افزایش روزافزون گروه‌های ضد پاکستانی در دوران تحریک طالبان، سعی کرد رابطه خود را با «ملا بهادر» و «مولوی نذیر» تقویت کند. گروه «ملا نذیر» ارتباط نزدیک‌تری با «طالبان افغان» داشت و تمرکز اصلی آن، فعالیت در داخل افغانستان بود. پس از کشته شدن «نذیر» در سال ۲۰۱۳، «بهاول خان» جانشین وی نیز همچنان به همکاری خود با ارتش پاکستان ادامه داد. اعضای تحریک طالبان که وارد این جبهه می‌شوند احتمالاً حاضر به پیوستن به «داعش خراسان» نمی‌شوند.

بنابراین، اختلاف نظر بین گروه‌های تحریک طالبان که به «داعش خراسان» پیوسته‌اند و گروه‌هایی که همچنان به «طالبان افغان» وفادار مانده‌اند به نظر همچنان عامل مهمی در ادامه کشمکش‌های سازمانی درباره آینده طالبان پاکستان خواهد بود، از جمله اختلاف نظر درباره استراتژی این گروه در قبال دولت پاکستان. گروه‌هایی که سرسختانه مواضع ضد دولتی خود را حفظ کرده و در حملات فرقه‌گرایانه مشارکت دارند احتمال بیشتری برای پیوستن به «داعش خراسان» دارند. اما آن دسته از فرماندهان تحریک طالبان



که همچنان به رویکرد «داعش خراسان» انتقاد دارند احتمالاً جزو افرادی خواهند بود که معتقدند با حمایت از «طالبان افغان» (که در حال حاضر برتری میدان نبرد را در دست دارد) چشم‌انداز بهتری برای ادامه حیات آینده خود خواهند داشت و علاوه بر این از پتانسیل صلح با دولت پاکستان نیز برخوردار خواهند بود.

نتیجه گیری

درگیری بین شبه‌نظامیان محلی و نیروهای وابسته به «داعش خراسان» و همچنین روند پیوستن شبه‌نظامیان محلی به داعش در فضای متغیر شبه‌نظامی منطقه افغانستان - پاکستان، احتمالاً در آینده نزدیک نیز ادامه خواهد داشت. «داعش خراسان» به عنوان یک گروه تازه وارد، قصد بلعیدن یک شبکه شبه‌نظامی را دارد که متشکل از گروه‌هایی با اهداف و تاکتیک‌های مختلف است و همچنین به دنبال آن است که ارتباط‌های چند ده ساله بین آنها را از آن خود کند. شکست‌های داعش در عراق و سوریه که باعث حرکت جنگجویان به سمت منطقه افغانستان - پاکستان شده و رقابت گروه‌های محلی برای استخدام یا حفظ نیروها احتمالاً موجب تشدید رقابت‌هایی خواهد شد که با ورود «داعش خراسان» به این منطقه آغاز شده بود. درگیری‌های خشونت‌بار اخیر بین «داعش خراسان» و «طالبان افغان» و همچنین خشونت‌های مستمر دو گروه بر ضد اهداف دولتی و غیرنظامی در بحبوحه جنگ افغانستان، نشانه‌های هشدار دهنده‌ای هستند که از احتمال بدتر شدن اوضاع امنیتی خبر می‌دهند. دولت‌هایی که در این فضا به دنبال مذاکره با عناصر غیر دولتی هستند باید مراقب تحرکات و اقدامات خشونت‌بار گروه‌های رقیب که با هدف تخریب مذاکرات صلح انجام می‌شود، باشند.

درک بهتر وضعیت شبه‌نظامیان و رهبران آنها در گروه‌ها و مناطق مختلف می‌تواند در روند تدوین استراتژی‌های لازم برای ریشه‌کن کردن خشونت‌های فزاینده متمرثر باشد. از سوی دیگر، می‌توان انتظار داشت گروه‌هایی که ارتباط‌ها و منابع آنها به واسطه مأموریت جهانی «داعش خراسان» برای تشکیل خلافت به مخاطره افتاده است همچنان به مقاومت خود در مقابل «داعش خراسان» ادامه دهند. مقابله با طیف وسیعی از گروه‌های مختلف که درگیر رقابت‌ها، اعلام وفاداری‌ها و تغییر بیعت‌های مستمر هستند، نیازمند اتخاذ یک استراتژی همکاری امنیتی منطقه‌ای است که با کمک و همکاری جمعی دستگاه‌های امنیتی دولت‌های مختلف منطقه تدوین شده باشد.

منبع: <https://ctc.usma.edu/challenging-isk-brand-afghanistan-pakistan-rivalries-divided-loyalties>

